

بررسی مجازات در قانون جزایی ایران

میلاد میوه یان

کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

نام نویسنده مسئول:

میلاد میوه یان

چکیده

مجازات مجموعه قواعد مورد تأیید جامعه است که ضامن اجرای عدالت واقعی است و سعی در هدایت مجرم اصلی و یا احتمالی، بازدارندگی دیگران از ارتکاب جرم، ارضاء فطرت عدالت خواهی مجنی علیه و حمایت از جامعه را دارد که توسط قوه مقننه وضع و به وسیله قوه قضاییه به مورد اجرا گذارده می‌شود. حال که مجازات از نظر حقوقی مشخص شد، باید دید قانون گذار جرم را چگونه تعریف نموده است: در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر فعل و ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود» با توجه به منطوق این ماده و تعریف اصطلاحی مجازات، میتوان چنین نتیجه گرفت که: «مجازات آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه و مرتکب آن برای شخصی که مقصر است برطبق قانون تعیین میکند. هدف مجازات اصلاح مجرم، دفاع اجتماعی و اجرای عدالت است. مجازات قاضی در حدودی که قانون معلوم نموده است، تعیین می‌کند. مجازات ضامن اجراء قواعد مربوط به نظم عمومی است و از سایر وسائل تضمینیه ممتاز و مشخص است. مجازات شخصی است و برای همه یکسان است.» اهداف مجازات از نقطه نظر عرفی به سه دسته هدف سودمندی، هدف اخلاقی و هدف اصلاحی تقسیم می‌شود. ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی جدید انواع مجازات‌های مقرر در این قانون را بیان می‌کند. یکی از نوآوری‌های قانون جدید و تغییراتی که این قانون نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۰ داشته، بخش‌بندی مجازات‌ها به چهار دسته است. مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقیقی به چهار بخش حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده‌اند و مجازات‌های بازدارنده که در کنار تعزیرات، دسته‌ای از مجازات‌ها را تشکیل می‌دادند، در قانون جدید به طور کلی از شمار مجازات‌ها خارج شده‌اند. دلیل حذف مجازات‌های بازدارنده از شمار مجازات‌های مقرر در قانون این است که خود مفهوم تعزیرات به گونه‌ای گسترده است که همه موارد را در برمی‌گیرد و نیازی نیست که مجازات‌ها به پنج دسته حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تقسیم شوند و همان عنوان تعزیر، مجازات‌های بازدارنده نیز را در برمی‌گیرد.

واژگان کلیدی: مجازات، قانون جزایی، اهداف مجازات، ایران.

مقدمه

مجازات در لغت به معنای جزا دادن، پاداش و کیفر آمده است در اصطلاح حقوقی تعاریف متفاوتی از مجازات آمده است: «مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل میشود. مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیر قابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که مشخص حقیقی مجازات می‌باشد.» و یا «مجازات واکنش جامعه علیه مجرم» است. در مورد تعریف ارائه شده باید اذعان نمود که علمای حقوق در بدست آوردن حقیقتی از مجازات و تعریف واقعی و اصطلاحی آن عنایت خاصی مبذول نداشته اند چرا در تعریف مجازات بایستی جنبه‌های مختلف آن مطمح نظر قرار گیرد: اولاً- مجازات ملازمه با عدالت واقعی دارد. پس اولین نکته در بیان تعریف مجازات، رعایت عدالت است. ثانیاً- اگر برای شناخت حقیقت مجازات به تاریخ مراجعه کنیم، ملاحظه میشود که مجازات در ابتدای امر عبارت از عکس العمل جامعه در مقابل عمل مجرمانه بوده، ولی بعد ها که جامعه تشکیلات و انتظامی یافت و دولت به وجود آمد، این عکس العمل اجتماعی هم شکل حقوقی به خود گرفت. بنابراین مجازات باید هدفی را تعقیب و این هدف می‌بایست در تعریف کاملاً مشخص گردد. ثالثاً- واضع و اجرا کننده مجازات باید در تعریف ذکر شود. رابعاً- محدوده مجازات باید مشخص شود. باتوجه به این نکات میتوان مجازات را این گونه تعریف کرد: «مجازات مجموعه قواعد مورد تأیید جامعه است که ضامن اجرای عدالت واقعی است و سعی در هدایت مجرم اصلی و یا احتمالی، بازدارندگی دیگران از ارتکاب جرم، ارضاء فطرت عدالت خواهی مجنی علیه و حمایت از جامعه را دارد که توسط قوه مقننه وضع و به وسیله قوه قضاییه به مورد اجرا گذارده می‌شود» حال که مجازات از نظر حقوقی مشخص شد، باید دید قانون گذار جرم را چگونه تعریف نموده است: در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر فعل و ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود» با توجه به منطوق این ماده و تعریف اصطلاحی مجازات، میتوان چنین نتیجه گرفت که: «مجازات آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه و مرتکب آن برای شخصی که مقصر است برطبق قانون تعیین میکند. آزار را، که صدمه‌ای به حقی از حقوق مجرم وارد می‌آورد نباید هدف مجازات تلقی کرد. هدف مجازات اصلاح مجرم، دفاع اجتماعی و اجرای عدالت است. آزار وسیله نیل به این هدف عالی است. مجازات قاضی در حدودی که قانون معلوم نموده است، تعیین می‌کند. مجازات ضامن اجراء قواعد مربوط به نظم عمومی است و از سایر وسائل تضمینی ممتاز و مشخص است. مجازات شخصی است و برای همه یکسان است.»

۱- طبقه بندی مجازات

مجازات‌ها از نظر هدف، شدت و خامت و حقوقی که بر اثر آنها محدود می‌شود، قابل طبقه‌بندی می‌باشد در این مبحث ابتدا به ذکر طبقه بندی مجازات‌ها پرداخته و سپس از مجازات‌های مهم سخن خواهیم گفت:

۱-۱. طبقه بندی مجازات‌ها بر مبنای هدف اجتماعی

در نظام جزائی، زمانی که صحبت از اجرای نوع خاصی از مجازات به میان می‌آید، بدون شک اهداف و خواسته‌های عمل مورد نظر می‌باشد. این اهداف در عصر وزمانی دچار تغییرات و دگرگونی شده، چنانچه زمانی مجازات‌ها جنبه اخلاقی وزمانی جنبه ارعایی و گاهی نیز هدف مجازات اصلاح و تربیت مجرم بوده است. جهت سهولت موضوع، ابتدا اهداف مجازات را از نظر اسلام مورد بررسی قرار داده و سپس اهداف مذکور را براساس دکترین و حقوق عرفی مورد گفتگو قرار خواهیم داد.

اهداف مجازات از نظر اسلام

در حقوق جزا اسلامی به فطرت انسانی توجه زیادی شده و آن را پاک و منزه می‌داند چرا که می‌گوید: «وَنَفَعْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» در آن از روح خود بدمم.^۱ و از آنجائی که کمال جوئی در فطرت انسان گنجانیده شده میبایست عدالت مطلق را که در قرآن مجید کراراً از آن یاد شده، بر جهان حکمفرما کنند تا به مقصود برسند. و این عدالت تنها از طریق حاکمیت اسلام بر جهان امکان پذیر است. در حاکمیت اسلام، برای ارشاد مجرمین راه‌های گوناگونی در نظر گرفته شده، ولی گاهی اوقات در آخرین مرحله، اسلام این اجازه را داده است که مجرمین را به کیفر اعمال خود برسانند.

بطور کلی اهداف مجازات از نظر قرآن مجید به شرح زیر است:^۲

۱. سوره حجر، آیه ۲۹

۲. سوره انعام، آیه ۱۵۱

۳. سوره مائده، آیه ۳۸

- اصلاح مجرمین

اصلاح مجرمین بوسیله تهذیب نفوس ودوری از گناه از طریق توبه: «پس هر که بعد از ستمی که کرده، توبه نمود و کار خود را اصلاح کرد، از آن پس خدا او را خواهد بخشید که خدا بخشنده ومهربان است».

- ارباب دیگران

دومین هدف مجازات، از نظر حقوق جزای اسلامی، ارباب دیگران به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم است: «بگو روی در زمین سیر کنی تا بنگرید که عاقبت کار بدکاران به کجا کشید و چگونه همه هلاک شدند»^۱.

- جلوگیری و پیشگیری از ارتکاب جرم

دین اسلام از طریق قراردادن مراحل مختلف، سعی و کوشش در جلوگیری و پیشگیری از ارتکاب جرم دارد: «مردان زنان مومن همه یار ودوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو وادارد واز کار زشت منع کن». بنابراین قراردادن امر به معروف و نهی از منکر موجبات جلوگیری از ارتکاب جرم را فراهم می‌سازد.

- اهداف مجازات از نظر حقوق عرفی

اهداف مجازات از نقطه نظر عرفی به سه دسته هدف سودمندی، هدف اخلاقی و هدف اصلاحی تقسیم می‌شود:

*** هدف سودمندی**

مهمترین هدفی که حقوق جزای عرفی از ابتدا دنبال نمود، همان هدف سودمندی است. منظور از سودمندی و جنبه اربابی مجازات این است که به وسیله اعمال کیفری نسبت به مجرمین، از طرف اشخاص غیر مجرم وانهاوی که قصد ارتکاب جرم را دارند، مرعوب شده و گرد ارتکاب جرم نگردند که به آن نقش «پیشگیری عمومی» می‌نامند. واز طرف دیگر خود مجرم از ارتکاب جرم جدید، خوداری نماید که به آن نقش «پیشگیری فردی» می‌نامند.

*** هدف اخلاقی**

عدالت و اخلاق از قدیمترین اصول موثر در امر مجازات می‌باشد امانوئل کانت معتقد بود که اگر مجازات، از نظر اجتماعی متضمن فایده هم نباشد، ولی باید مجرم را به کیفر رسانیده که تا بدین ترتیب، عدالت رعایت شود. گر چه امروزه نقش اخلاقی، نقش اصلی مجازات نیست و اصولاً در تحمیل مجازات، منظور فقط جبران و پاداش عمل ارتکابی گذشته نیست، بلکه تضمین دفاع اجتماع بوسیله اصلاح مجرم نیز هدف از مجازات محسوب می‌شود، مه هذا لزوم تنبیه اخلاقی تبهکار در اعماق فکر مردم که عقیده دارند، باید مجرم دین خود را به جامعه ادا کند باقی و پابرجاست.

*** هدف اصلاحی**

در زمان اخیر با توسعه افکار و عقاید مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی نوین، اصلاح و تربیت مجرم از اهداف مهم و خطیر مجازات قرار گرفت، به نحوی که پیشنهادها و نظرها و برنامه ریزیهای بسیاری از طرف متخصصین امور جزائی، علمای جامعه شناسی، روان شناسان و علوم ذیربط دیگر ارائه شد تا محکومین تحت تاثیر اقدامات و تمهیدات موثر اصلاح گردیده و مجددا وارد اجتماع شده و همچون دیگران به زندگی شرافتمندانه‌ای بپردازند.

۱-۲. طبقه بندی مجازات بر مبنای شدت و خامت آن**- پیشینه تاریخی**

به موجب اوستا، جرم از جهت ضعف و شدت هفت مرحله دارد و این مراحل عبارتند از:

۱ - اسلحه به دست گرفتن . ۲ - زدن . ۳ - مجروح کردن . ۴ - خون ریختن . ۵ - استخوان شکستن . ۶ و ۷ - لطمه به عقل یا احساس وارد آوردن^۲

^۱ - سوره نمل، آیه ۶۸

^۲ - خزائی، محمد، احکام قرآن، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۰، ص ۶۰۸

در ایران باستان تعریف مشخصی از جرم وجود نداشته است، اما می‌توان گفت انواع جرایم (بی آنکه طبقه بندی خاصی بتوان ارائه کرد) عبارت بوده از:

- ۱- جرم علیه دین، مانند توهین به اشیاء یا اماکن مقدس.
- ۲- جرم علیه پادشاه، مانند توهین یا سوء قصد به شخص شاه و یا حتی به مال او. نظر به اینکه همه چیز در شخص شاه خلاصه می‌شده و دولت نیز در معنی خاص خود وجود نداشته و شاه خود عین دولت بوده، می‌توان اینگونه جرایم را در یک ردیف قرار داد.
- ۳- جرم علیه خانواده پادشاه، مانند توهین یا سوء قصد به هر یک از افراد خانواده شاهی.
- ۴- جرم فرد، علیه فرد، مانند رابطه برقرار کردن با زن شوهردار، گرفتن رشوه، دزدی حیوانات یا ایراد ضرب و جرح^۱

- در ایران

مهم‌ترین طبقه بندی در حقوق ایران بر اساس قانون سابق تقسیم جرایم به جنایت، جنحه و خلاف است. ماده ۷ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲ مقرر می‌دارد که ((جرم از حیث شدت و ضعف مجازات بر ۳ نوع جنایت، جنحه و خلاف است.)) (در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ جنحه به دو قسم مهم و کوچک تقسیم شده بود).

قانونگذار جرایمی را که متضمن خطر بیشتری برای جامعه باشند جنایت می‌نامد و مجازات‌های سنگین تری برای آن مقرر می‌کند و جرایمی را که شدت کمتری دارند، جنحه می‌شمارد و مجازات خفیف تری برای آن در نظر گرفته است و سرانجام جرایمی که حداقل صدمه و خطر را برای افراد فراهم می‌آورند، خلاف نامیده است که مجازات سبکی دارند. ضابطه و معیار تشخیص نوع جرایم ارتكابی نظر و تصمیم قانونگذار است و بدیهی است که قانونگذار با توجه به ارزش و عقاید معتبر جامعه یا برداشتی که نسبت به حمایت از مصالح متنوع حیات اجتماعی دارد، اعمال نابهنجار را براساس شدت و خطر آنها به ترتیب به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌کند. در مواد قوانین جزایی نوع جرایم بیان نشده؛ ولی برای هر عمل مجرمانه مجازاتی پیش بینی گردیده است که با توجه به آن می‌توان جرم ارتكابی را تشخیص داد.^۲ مجازات انواع جرم در مواد ۸، ۹ و ۱۲ قانون مجازات سال ۱۳۵۲ تعیین شده و مطابق ماده ۱۱۸ آن مجازات‌های اصلی جنایت به قرار زیر هستند:

- ۱- اعدام ۲- حبس دائم
- ۳- حبس جنایی درجه یک از ۳ تا ۱۵ سال
- ۴- حبس جنایی درجه دو از ۲ تا ۱۰ سال مطابق ماده ۹ همان قانون
- مجازات‌های اصلی جنحه به قرار زیر می‌باشند:
- ۱- حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۳ سال.
- ۲- جزای نقدی از ۵ هزار و یک ریال به بالا.

و سرانجام برابر ماده ۱۲ قانون مجازات سال ۱۳۵۲، مجازات خلاف، جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵ هزار ریال است. از آنجا که اعدام جزء مجازات‌های اصلی جنایت است، بنابراین قتل عمد جنایت و مشمول مقرراتی می‌باشد که قانون در مورد این نوع جرایم اجرا می‌کند. نسخ عناوین خلاف جنحه و جنایت توسط قانون مجازات اسلامی یا اعتبار آن: گفته شده تقسیم جرایم به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات. عناوین خلاف و جنحه و جنایت را نسخ ننموده باشد؛ زیرا تقسیم جرایم به خلاف، جنحه و جنایت به اعتبار شدت و ضعف مجازات آنها بوده و تقسیم مجازات به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات به اعتبار مجازات‌ها می‌باشد که در این خصوص به قسمتی از نظریه مشورتی اداره حقوقی اشاره می‌گردد:

((تقسیم جرایم به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات نافی و معارض تقسیم آنها به خلاف، جنحه و جنایت نیست؛ زیرا تقسیم اخیر به اعتبار شدت و ضعف مجازات و بیشتر مربوط به تعزیرات می‌باشد؛ یعنی مجازات‌های تعزیری حسب شدت و ضعف به خلاف، جنحه و جنایت تقسیم می‌شوند؛ اما تقسیم به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات به اعتبار دیگری است و هیچ مانعی ندارد که یک مقسم به اعتبارات مختلف تقسیم شود. بنابراین نمی‌توان گفت که چون در قانون راجع به مجازات اسلامی جرایم به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده اند، عناوین خلاف، جنحه و جنایت منسوخ است.)) ولی به نظر می‌رسد این طبقه بندی در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد زیرا اگر وجود داشت می‌بایست مانند قانون سابق و اسبق ایران و فرانسه در موادی نوع جرایم مشخص می‌شد تا آثار و فواید آن نیز بر نظام حقوقی بار شود. در مقررات جزایی اسلام، ملاک طبقه بندی، نوع کیفری است که شرع مقرر فرموده است. بنابراین جرایم بر حسب مجازات‌ها طبقه بندی

^۱ - نوریها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۲، ص ۸۹

^۲ - صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۳۸

می‌شوند؛ که چهار طبقه اند: جرایم مستحق قصاص، حدود، دیات و تعزیرات. وخامت و شدت مجازات یکی دیگر از مبانی طبقه بندی آنهاست. از این نقطه نظر، مجازات دائمی در مقابل مجازات موقت قرار می‌گیرد. دوام و موقت بودن از ملاک‌هایی است که منحصراً جهت مقایسه جرائم سالب آزادی به کار می‌رود. قانونگذار برای تعیین درجه وخامت مجازات، در قانون مجازات عمومی سابق سه درجه مجازات، جنائی، جنحه و خلاف را به دست داده بود. ولی در قانون مجازات اسلامی، این طبقات بر حسب نوع جرائم به پنج دسته، حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات بازدارنده تقسیم بندی شده است:

انواع مجازات در قانون مجازات عمومی سابق

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، با الهام از قوانین خارجی، جرائم را از حیث شدت و ضعف به چهار درجه، جنایت، جنحه، جنحه مهم، جنحه کوچک و خلاف تقسیم کرده بود. این قانون در سال ۱۳۵۲ اصلاح شد و چهار درجه به سه درجه جنایت، جنحه و خلاف تقلیل یافت. به موجب ماده ۸ قانون مجازات اصلی جنایت عبارت بودند از: اعدام، حبس دائم، حبس جنائی درجه یک از سه سال تا پانزده سال و حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال. مجازات اصلی جنحه عبارت بودند از: حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۳ سال و جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا. و نهایتاً برای مجازات خلاف، جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال را تعیین کرده بود. بدین ترتیب قانونگذار، شدیدترین مجازات را مجازات جنائی و خفیف‌ترین آن را مجازات خلاف قرار داده بود.

انواع مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش کلی در تغییر قوانین موجود به عمل آمد. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب قوانین، چنین می‌گوید: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و... باید براساس موازین اسلامی باشد...». طبق ماده ۱۲ این قانون، مجازات‌های مقرر پنج قسم است: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده. این تقسیم بندی براساس نظر فقهاء و موازین اسلامی تعیین شده که بیشتر جنبه حقوق جزای اختصاصی داشته و در باب کتاب القضاء، کتاب شهادت و... مورد بحث و بررسی اکثر فقهای اسلامی قرار گرفته است.

* حدود

حدود جمع حدّ است. حد در لغت به معنی منع و بند است که در اصطلاح مجازات مطرح در قانون جزا است. از نظر حقوقی حدّ را چنین تعریف می‌کنند: «حدود کیفرهایی است که کم و کیف آن کاملاً معین شده و کسی نمی‌تواند آن را بیشتر یا کم کند». البته قانون گذار جمهوری اسلامی ایران، نیز به همین ترتیب حدّ را شرعی را در ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی بیان و مقرر کرده: «حدّ، به مجازاتی گفته میشود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است». در قرآن مجید، برای چهارم جرم سرقت، محاربه، زنا و قذف کیفر حدّ معین شده است. در قانون مجازات اسلامی موجبات حدّ را عبارت از سرقت، شرب خمر، محاربه، قذف و اعمال منافی عفت از قبیل زنا، لواط، مساحقه و تفخیذ و قوادی ذکر کرد.

* قصاص

قصاص مصدر «قاص-یقاص» است و از باب «قَصَّ أَثَرَهُ...» یعنی از او پیروی کرد، آمده است و شخص نقال وقصه گو را از این جهت «قصاص» می‌گویند که از آثار و حکایت گذشتگان پیروی و آنها را برای دیگران تشریح می‌کند. حقوق دانان قصاص را چنین بیان می‌نمایند: «قصاص اسم است و برای انجام دادن مثل جنایت ارتکاب شده، از قطع یا ضرب یا جرح و ریشه آن» به معنی پیروی کردن اثر است، چون قصاص کننده، اثر جنایتکار را پیروی می‌کند و کاری مانند او انجام می‌دهد. دین اسلام برای پایان دادن انتقام شخصی و فردی قصاص را قانونگذاری نمود. در باب فلسفه این مجازات را می‌توان در چند نکته بر پایی عدالت نظم عمومی جامعه، اجرای فرمان الهی و التیام روح اولیاء دم مورد بررسی قرار داد:

۲- برپایی عدالت و نظم عمومی جامعه

کسی که بر جسم و یا جان دیگری صدمه وارد و او را مجروح و یا مقتول می‌سازد، عادلانه و منصفانه‌ترین مجازات او، رفتار به مثل است.

۲-۱- اجرای فرمان الهی

قصاص سبب حیات و بقای جامعه و دوام حکومت عدل و قسط اسلامی است. این مجازات هر چند که جنبه حق الناسی آن فزونی بر جنبه حق الهی بودن دارد، ولی به کرات اجرای فرمان الهی را خاطر نشان می‌سازد: «در قصاص برای شما حیات و زندگی است ای خردمندان، باشد که پرهیزکار شوید»

۲-۲- التیام روحی اولیاء دم مقتول

با نابود ساختن نفسی و جدا شدن عضوی از اعضای خانواده، ضربه مهلکی بر پیکره آن جامعه کوچک وارد می‌شود و عکس العمل حاصل از این واقعه، بعضاً در قالب انتقام‌های شخصی و نتیجتاً اقدام جنایت آمیز دیگری پایه ریزی می‌گردد. بدین ترتیب و ورثه او حق دارند که مجازات قاتل را مطالبه کند و کسی غیر از ولی دم، از چنین حقی برخوردار نیست.

۲-۳- دیات

دیات جمع دیه است؛ دیه مصدر است و در اصل «ودی» بوده که و «واو» آن را حذف کرده و در عوض «ه» به آخر آن افزوده اند. در قرآن مجید کلمه دیه فقط دو بار در آیه ۹۲ سوره نساء تکرار شده است. قانونگذار اسلامی از طرف دیات رادر ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی تعریف کرده و می‌گوید «دیه، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است». و از طرف دیگر در ماده ۲۹۷ میزان آن را مشخص نموده ایت: «دیه قتل مرد مسلمان، یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر می‌باشد و تلفیق آنها جایز نیست:

۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۲- دویست گاو و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۳- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۴- دویست دست لباس سالم از حله ی یمن.

۵- یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است.

۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد»

با مطالعه این ماده در بادی امر به نظر میرسد که باید در هر شش قسم دیه، رعایت تساوی قیمت شود اما در عمل ملاحظه می‌شود که این تساوی رعایت نشده و ارزش اقسام شش گانه با یکدیگر متفاوت است. قانونگذار اسلامی در صدد رفع این ابهام برآمده و در ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «در این قانون مواردی از دیات که دیه بر حسب دینار یا شتر تعیین شده است فشر و یا دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از دیه کامله است و جانی در انتخاب نوع آن، مخیر می‌باشد». منظور و مقصود از موضوعیت نداشتن شتر و دینار این است که جانی می‌تواند به جای شتر و دینار به نسبت آن یکی دیگر از انواع دیات را انتخاب کند.

۲-۴- تعزیرات

بعضی از جرائم و تخلفات هستند که خلاف اسلام بوده لیکن چون دارای اهمیت کمتری است و صدمه زیادی به افراد نمی‌زند، لذا حکم بخصوصی برای آنها در نظر گرفته نشده و مجازات آن به اختیار امام واگذار شده که به نحوه مقتضی مجرم و متخلف را به کیفر اعمال خود برساند. این مجازات بر حسب مورد و با توجه به عمل راتکابی و شرایط مرتکب آن تغییر کرده و اصطلاحاً به آن «تعزیر» گفته البته ناگفته نماند که در بعضی موارد، مجازات تعزیری در روایات تعیین و میزان آن در قالب اقل و اکثر و یا به صورت مشخص و معین نظیر حد ذکر شده است. به هر حال بارزترین مشخصه تعزیرات و فرق آن با حد در این است:

۱- موضوع هر حدی در قانون کاملاً مشخص و شرایط هر یک مفصلاً بیان گردیده است در حالیکه در تعزیرات، هیچگونه تشخیص قانونی مشخص نیست و فقط به بیان افعال خلاف اکتفاء شده است.

۲- نوع عقوبتهای حدی در اصل مشخص شده و در محدوده‌های معینی محصور می‌باشد در صورتیکه عقوبتهای تعزیری هیچگونه تعیینی نداشته و به صلاحیت حاکم واگذار شده است.

۳- مقدار تعزیر باید کمتر از حد باشد.

۴- در تعزیر، واسطه و شفاعت مورد قبول واقع می‌شود.

۵- تعزیر به جهت توبه کردن ساقط می‌شود.

۶- تعزیر گاه حق الله است چون دروغ گفتن و گاه حق الناس چون دشنام دادن و گاهی هر دو جنبه را داراست مثل دشنام صالحینی که مرده باشد، ولی حدود کلاً حق الله است مگر قذف و سرقت که محل اختلاف می باشد.

۲-۵- مجازات های بازدارنده

مجازات های بازدارنده از طرف قانونگذار تعریف نشده، منتهی از آنجائیکه در نظام کیفری اسلام، اعمالی وجود دارند که برحسب زمان و مکان از ناحیه حکومت اسلامی ممنوع اعلام می شود و یا تکالیف و یا الزاماتی است که حکومت بر فرد اعمال می کند و ضمانت اجرای تخلف از آن «مجازات تعزیری» است، لذا مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر فعالیت های اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت گذاری و ضوابط توزیع، قانون «تعزیرات حکومتی» را در تاریخ ۲۳/۱۲/۶۷ به تصویب رسانید و تعزیرات مقرر علیه متخلفین از اجرای این قانون را «مجازات های بازدارنده» نامید.

متعاقب این امر قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۷ در صدد تعریف مجازات بازدارنده بر آمد و مقرر داشت: «مجازات بازدارنده، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین میگردد، از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.»

۳- انواع مجازات در قانون جدید مجازات اسلامی

ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی جدید انواع مجازات های مقرر در این قانون را بیان می کند. یکی از نوآوری های قانون جدید و تغییراتی که این قانون نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۰ داشته، بخش بندی مجازات ها به چهار دسته است. مجازات های مقرر برای اشخاص حقیقی به چهار بخش حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده اند و مجازات های بازدارنده که در کنار تعزیرات، دسته ای از مجازات ها را تشکیل می دادند، در قانون جدید به طور کلی از شمار مجازات ها خارج شده اند. دلیل حذف مجازات های بازدارنده از شمار مجازات های مقرر در قانون این است که خود مفهوم تعزیرات به گونه ای گسترده است که همه موارد را در برمی گیرد و نیازی نیست که مجازات ها به پنج دسته حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات های بازدارنده تقسیم شوند و همان عنوان تعزیر، مجازات های بازدارنده نیز را در برمی گیرد. تفکیک مفهوم مجازات های بازدارنده از مجازات های تعزیری برخی اوقات موجب بروز مشکلاتی می شد. از جمله این موارد می توان به ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشاره کرد. طبق ماده ۱۷۳ این قانون: «در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده و یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مشروحه، تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد، تعقیب موقوف خواهد شد.»

همان گونه که در این ماده مشاهده می شود، حوزه مقررات مربوط به مرور زمان، محدود به مجازات های بازدارنده است و شامل مجازات های تعزیری نمی شود. در این جا این اختلاف نظر به وجود می آمد که مجازات کدام یک از جرایم، تعزیری و کدام یک بازدارنده است؟ این موضوع باعث صدور آرای متعددی از سوی قضات می شد و به نوعی زمینه تشتت آرا را فراهم می کرد. به عنوان نمونه برخی اوقات احکامی صادر می شد که مجازات های بازدارنده را مورد حکم قرار می دادند، در حالی که بسیاری از این جرایم منشأ فقهی دارند و هیچ کس به طور دقیق نمی توانست تشخیص دهد که مجازات های بازدارنده چیست؟ مجازات های تعزیری کدام است و تفکیک قانونی روشنی بین این دو نوع مجازات نشده بود. در قانون جدید مجازات اسلامی، مرور زمان برای جرایم تعزیری نیز در نظر گرفته شده است که این موضوع در ماده ۱۰۴ این قانون با ظرافت خاصی بیان شده است که مقرر می دارد: «مرور زمان، در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده باشد یا از تاریخ آخرین اقدام تحقیقی یا تعقیبی تا انقضای این مواعد به صدور حکم منتهی نگردیده باشد...»، لذا دیگر وجود مجازات های بازدارنده در عداد مجازات های قانونی فاقد وجهت عقلانی و حقوقی به نظر می رسد، بنابراین حذف مجازات های بازدارنده در کنار پیش بینی مرور زمان برای جرایم تعزیری از نوآوری های قانون جدید به شمار می آید.

از دیگر نکات مثبت در تقسیم بندی مجازات ها به چهار دسته این است که تعریف مجازات های چهارگانه دقیق تر و شفاف تر بیان شده است. مجازات ها مطابق قانون جدید مجازات اسلامی عبارت است از:

الف- حدود: مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۵ قانون جدید، حد، مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. انواع مجازات های حدی پیش بینی شده در قانون عبارتند از: اعدام، شلاق، قطع عضو، تبعید، حبس ابد و تراشیدن سر.

ب- قصاص: مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۶ قانون جدید، قصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می شود.

انواع قصاص هم قصاص نفس در قتل عمدی و قصاص عضو در جنایات عمدی دون نفس که همان جرح و نقص عضو و منافع است، خواهد بود. بنابراین ملاحظه می‌شود که تعریف قصاص در این قانون دقیق‌تر بیان شده است.

ج- دیات: مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۷ قانون جدید، دیه، اعم از مقدر و غیرمقدر مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایات غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود.

انواع دیات نیز دیه نفس و دیه اعضاء است که در جنایات غیرعمدی و همچنین جنایات عمدی که در آنها قصاص به هر جهت قابل اجرا نباشد، اعمال می‌شود.

نکته قابل تامل در تعریف دیه در این قانون این است که دیه اعم از مقدر و غیرمقدر در نظر گرفته شده است و در مواد ۴۴۸ و ۴۴۹ قانون جدید آمده است: بنابراین ارش، دیه غیر مقدر دانسته شده است که از جمع بین این دو ماده می‌توان نتیجه گرفت که در قانون جدید، احکام دیه قابل تسری به ارش نیز است.

د- تعزیرات: مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۸ قانون جدید، تعزیر، مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. از نکات قابل توجه در این ماده این است که قانونگذار با آوردن قید «به موجب قانون»، آن هم دوبار، به «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» در تعزیرات تأکید کرده است و همچنین با کمی تامل می‌توان به وجود اصل دیگری نیز در این ماده قایل شد، و آن «لزوم رعایت اصل فردی کردن کیفر» در مجازات‌های تعزیری است.

از دیگر موارد قابل ذکر در این ماده این است که دادگاه در صدور حکم تعزیری، مکلف به رعایت مقرراتی شده است از جمله: انگیزه مرتکب، نحوه ارتکاب جرم، وضعیت خانوادگی و اجتماعی مجرم و ... که این موارد نشان از به روز شدن تعریف این مجازات و توجه به موضوعات جامعه‌شناختی و جرم‌شناسی در اعمال کیفر دارد که از نکات قابل توجه در قانون جدید است.

۳-۱- در فرانسه

در ماده ۱ - ۱۱۱ مجموعه قوانین مجازات فرانسه آمده است: ((جرایم جزایی بر حسب شدت آنها به جنایت، جنحه و خلاف طبقه بندی می‌شوند)). قانون مجازات سابق فرانسه جرایم را بر مبنای مجازاتشان به جنایت، جنحه و خلاف تعریف می‌کرد؛ ولی قانون مجازات جدید مختصرتر شده چرا که به عنوان مثال جرایم جنحه‌ای را مطرح کرده و سپس مجازات‌های جنحه‌ای را هم بیان می‌کند بدون اینکه ذکر کند که این مجازات‌ها شامل جنحه‌ها است؛ ولی تقسیم بندی جرایم در هر دو قانون یکسان است.

توضیح:

به موجب قانون مجازات جدید بر اساس شدت مجازات، نوع جرم (خلاف، جنحه و جنایت) مشخص می‌شود که عبارتند از:

الف - اگر مجازات جرمی بدون حالت تکرار فقط جزای نقدی تا ده هزار فرانک باشد، از نوع خلاف است (در صورت تکرار به بیست هزار فرانک با تصریح آیین نامه افزایش می‌یابد).

ب - حبس حداکثر تا ده سال، جزای نقدی حداقل ۲۵ هزار فرانک مجازات جرایم جنحه‌ای است (مثل سرقت ساده).

ج - جرمی که مجازات آن حبس جنایی عمومی یا جنایی سیاسی دایم یا جنایی عمومی یا جنایی سیاسی ۱۵، ۲۰ یا ۳۰ سال دارد جنایت است (مانند قتل با سبق تصمیم یا مسموم کردن).

۳-۲- طبقه بندی مجازات بر مبنای نسبت آنها با هم

مجازات‌ها را می‌توان از نظر ارتباطی که باهم دارند به مجازات‌های اصلی و تبعی و تکمیلی تقسیم نمود: مجازات‌های اصلی عبارت از مجازات‌های هستند که مخصوص به هر جرم بوده و برای هر یک، مدت آن را قانون مشخص کرده و درباره مجرمین زمانی به مورد اجرا گذارده می‌شود که دادرس دادگاه صریحاً آن را در حکم خود قید و میزبان آنرا تعیین نموده باشد.

مجازات‌های تبعی به خودی خود و بدون نیاز به درج در حکم دادگاه به کیفرهای اصلی اضافه می‌شوند و کیفر تکمیلی در واقع همان کیفر تبعی است، با این تفاوت که مثل کیفر اصلی در حکم دادگاه قید می‌شود.

۳-۳- طبقه بندی مجازات به لحاظ حقی که محدود شده و یا از بین می‌رود

بالاخره طبقه بندی دیگری مجازات‌ها را با توجه به مشتقی که بر مجرم تحمیل می‌شود، قائل شده به این طریق مجازات‌ها به مجازات‌های بدنی، مجازات‌های سالب آزادی، مجازات‌های محدود کننده آزادی و مجازات‌های مالی تقسیم شده و بدین ترتیب، حیات، آزادی، حقوق، شرافت و یا اموال محکوم در معرض خطر قرار می‌گیرد:

- مجازات‌های بدنی

قبل از اینکه حقوق جزا تحول پیدا کند و افکار فایده اجتماعی با انقلاب کبیر فرانسه در متون قوانین جزائی انعکاس یابد، مجازات‌های بدنی در حقوق جزا مقام شامخی داشت و زندان غالباً برای جلوگیری از فرار متهم به کار می‌گرفته می‌شد. در آن زمان، مجازات عبارت از انواع مختلف شکنجه بود. در حال حاضر در حقوق جزای اسلام مجازات اعدام، قصاص، رجم، حد شلاق زدن از جمله مجازات‌های بدنی است که به شرح هریک می‌پردازیم:

- مجازات اعدام

اغلب بر اثر هیجان و ناراحتی که بعد از وقوع یک جنایت فجیع در جامعه‌ای پیدا شد، افکار و عقاید عمومی خواه و ناخواه یک صدا طالب «اعدام» و یا بهتر بگوییم یک «مرگ» می‌شوند. پیروی از این اصل که داوری درد حاصله از جنایتی را باید در یک اعدام فوری جستجو کرد، کاملاً بی احتیاطی بوده و چنین به نظر می‌رسد که به جای تجویز انتقام فوری، به منظور فرونشاندن خشم جامعه باید بیشتر به اثرات حاصله از مجازات اعدام و مشروع بودن آن از نقطه نظر اخلاقی، حقوقی و انتفاع واقعی جامعه، توجه نمود. مساله اعدام در حال حاضر به نحو حادی مطرح مباحثه و گفتگوست. مخالفان اعدام در زمینه‌های گوناگون از نقطه نظر مختلف مساله را مطرح کرده و دلایل خود را ابراز داشته اند.

- نظرات موافقین اعدام

عده‌ای از طرفداران مجازات اعدام را چنین استدلال می‌کنند که اعدام از نظر فن حقوق جزا، کاملترین مجازات‌هاست و برای اثبات ادعای خود، دلایلی چند به شرح زیر ارائه نموده اند.

اول- افراد جامعه با اعدام جانی قطع یقین حاصل می‌کنند که او به کیفر عمل خود رسیده و رهائی برای او امکان پذیر نیست. حال اگر به جای مجازات اعدام، به حبس دائم محکوم می‌شود، امکان نجات وی به طرق مختلف از قبیل فرار و یا اثر انقلابات و سایر عوامل دیگر وجود دارد و بالنتیجه، عمل اخلاقی مجازات که کیفر دادن است، تحقق نمی‌یابد. بنابراین تنها راه ممکن، اعدام اوست تا به سزای عمل خویش برسد. دوم- مجازات اعدام باعث رعب و وحشت در افراد جامعه شده و آنها را از ارتکاب اعمالی که موجب مجازات مذکور گردد، باز می‌دارد و در واقع کیفر اعدام، حالت بازدارندگی را دارا است.

سوم - مجازات اعدام به مثابه اسلحه برنده‌ای است که در ید و استیلائی دولت، جهت دفاع از جان افراد جامعه و همچنین حفظ استقلال و تمامیت خود دولت به کار می‌رود.

چهارم - از انتجائی که جامعه برای حفظ و بقای خود تمامی حقوق را داراست، بنابراین حق دارد با طرد عضو فاسد از جامعه، جلوی اشاعه و تسری فساد به وجود آمده را، به وسیله مجازات اعدام سد کند.

- نظرات مخالفین اعدام

مخالفین اعدام نظرات خود را به نحو زیر ابراز می‌دارند:

اول - مجازات هدف جوامع نیست، بلکه وسیله صیانت حفظ اجتماع و طریقه جلوگیری برای تامین سعادت مردم یک کشور است. به عبارت دیگر آیا مجازات اعدام ضرورت است و تنها راه ایجاد نظم و استفاده اجتماعی محسوب می‌گردد.

دوم- جامعه حق ندارد حیات انسانی را که خداوند به او اعطا فرموده است جهت حفظ و بقای خود از او بگیرد

سوم- هرگاه شخص بی گناهی بر اثر یک اشتباه قضائی محکوم به اعدام گردد مجازات هم در مورد او به مورد اجراء گذارده شود، آیا التیام پذیر خواهد بود؟ بدیهی است که دیگر کار از کار گذشته و چنین خطا و اشتباهی قابل جبران نیست.

چهارم- افرادی که مرتکب جنایت می‌شوند مسئول عمل خود نبوده، بلکه این اجتماع است که نقش موثر در تربیت او را بر عهده داشته و با سهل انگاری و کوتاهی در تربیت او موجبات جرم توسط وی را به بوجود آورده است. بنابراین جامعه که خود مقصر اصلی در ایجاد بزه است حق اعدام مرتکب بزهکار را ندارد.

- مجازات شلاق

کیفر شلاق از انواع کیفر هائی است که هم در حدود از آن استفاده می‌شود و هم در تعزیرات. عده‌ای نیز علاوه بر این منفعت جهت اجرای تازیانه، منافعی دیگر را بر شمرده و معتقدند که:

۱- از نظر اقتصادی، شلاق وسیله ارزان و کم خرج است.

۲- ضررها و مفساد زندان را ندارد و به مانند آن مستلزم هزینه نگهداری زندانیان نیست.

- ۳- مجازات شلاق تاثیر عمده‌ای بر جلوگیری از وقوع جرم را دارد، حتی در روحیه مجرمان خطرناک هم موثر است در تهدید مجرمان اثر قطعی و واقعی داشته، بطوریکه در اصلاح و تربیت زندانیان خطر ناک موثر واقع شده است.
- ۴- در تحولات حقوق جزای مدرن، جرائم خشن تر و سبعانه تر شده وبا قساوت بیشتری به منصف ظهور می‌رسند پس بهترین نوع مجازات بدنی در مقابل این قبیل جرائم «تازیانه زدن» است
- ۵- رنج و تعب ناشی از ضربات شلاق به علاوه علاقه‌ای که انسان به ابرو و شرف و لئسانیت خود دارد، باعث می‌شود که از ارتکاب اعمال مجرمانه خودداری، تا تحمل آن چنان کیفری، لازم نباشد.
- مجازات حدود و قصاص را قبلاً توضیح داده شده است.

– مجازات سلب آزادی

منظور از مجازات سالب آزادی، مجازات حبس می‌باشد. حبس به معنای مانع شدن است و اسم مکان محبس بر وزن مقتل است. زندان تاریخیچه بسیار دردناک و غم انگیزی در دنیا دارد. بدترین جنایتکاران و بهترین انسانها، هر دو به زندان افتاده اند. به همین دلیل زندان همیشه کانونی برای بهترین درسهای سازندگی و یا بدترین بدآموزیها بوده است. در قوانین کیفری اسلام، ضمن اینکه برای جلوگیری از خلافکاریها و حمایت جامعه در مقابل شرارت افراد از طرق دیگری استفاده شده، ولی به حکم ضرورت، عقوبت زندان نیز به عنوان کیفر ثانوی پذیرفته شده است. بدین معنی که کیفر اصلی در اسلام حد است و تعزیر عقوبت ثانوی برای بزهکاران و گناهکاران محسوب می‌شود و آن در صورتی است که حدی تعیین نشده باشد تا بمورد اجراء گذارده شود. اگر چه زندان در اسلام یک عقوبتی ثانوی است و مدت زندان بستگی به نظر حاکم دادگاه دارد که با توجه به جرم ارتكابی و درجه اهمیت آن و تنبیه و تادیب مجرم، میزان و مدت آن را تعیین می‌کند، ولی امروزه طبق قانون مجازات اسلامی، زندان از کیفر اصلی محسوب و مدت و میزان آن از لحاظ حداقل و حداکثر توسط قانونگذار پیش بینی شده است.

۱- معایب زندان

بازداشت و سلب آزادی انسان و نگهداری او در زندان به عنوان مجازات، ضمن اینکه محاسنی دارد دارای معایب و مفاسدی می‌باشد. از معایب مهم کیفر زندان همین بس که گفته شود:

اولاً- در زندانهای که بزهکاران دور هم جمع می‌شوند، درحقیقت یک آموزشگاه عالی فساد تشکیل می‌گردد. در این زندان نقشه‌های تخریبی را مبادله کرده و تجربیات خود را در اختیار دیگران گذارده و هر تبهکاری در واقع درس اختصاصی خود را به دیگران می‌آموزد، به همین جهت پس از آزادی از زندان بهتر و ماهرتر از گذشته به جنایات خود ادامه می‌دهند.

ثانیاً- بسیاری ند اشخاصی که ولگرد و بیکار بوده و درآمد مطلوبی نداشته و مورد نفرت کسان و بستگان خود قرار گرفته و یا در جامعه جائی برای خود نیافته و کسب وجهه و احترام هم نکرده اند، ولذا با ارتکاب جرم، زندان رفتن را استقبال و با عمل خود دو زبان بر جامعه وارد می‌سازند:

- اول- زبان معنوی که آن کثرت وقوع جرم است که بر انحطاط اخلاقی جامعه می‌افزاید.
- دوم- زبان مادی که بر متضرر از جرم از یک طرف و بر بودجه مملکت از طرف دیگر وارد می‌شود.
- ثالثاً- انتظار کسان و بستگان مجرم به آزادی او مراجعت مکرر جهت ملاقات زندانی و مسئولین قضائی جهت خلاصی و یا تخفیف مجازات وی که این عمل از یک طرف از فعالیت اقتصادی خانواده زندانی که مدتی از وقت و کار خود را صرف رفت آمد می‌کنند، می‌کاهد و به زبان خود آنان و جامعه تمام می‌شود و از طرف دیگر دستگاه قضائی را در تنگناهایی قرار میدهد که ناگزیر شود، هر چند یکبار تحت عنوان عفو و بخشودگی عده‌ای از زندانیان را آزاد کنند.

– مجازات‌های محدود کننده آزادی

مجازات حبس باعث می‌شود که آزادی فرد را به صورت اعمال زندان سلب نماید، ولی در مقابل مجازات‌هایی وجود دارند که باعث سلب آزادی کامل از فرد نشده، بلکه آزادی او را محدود می‌نمایند. بدین نحو که گاهی محکوم را از اقامت در محل سکونت خود ممنوع و محروم می‌سازد و زمانی محکوم مجبور به اقامت در محل معین می‌شود. در اقامت اجباری و یا منع اقامت، محکوم به مانند زندانی از آزادی کامل محروم نیست، بلکه در نقاط معینه به زندگی خود ادامه داده و تحت مراقبت و نظارت اصلاحی و تربیتی قرار دارد.

در مورد محرومیت از حقوق اجتماعی مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، که در واقع مجازات سلب حق از محکوم است، مقنن توضیح بیشتری نداده ولی با استعانت از مقررات تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲، می‌توان گفت که محرومیت از حقوق اجتماعی دارای عواقب زیر است :

- ۱- محرومیت از حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی
- ۲- محرومیت از حق عضویت در کلیه انجمن ها و شورا ها و جمعیت هایی که اعضاء آن به موجب قانون، باید با رأی مردم انتخاب شوند.

- مجازات های مالی

مجازات مالی عبارت است از ایجاد نقص در اموال مجرم که قانون به عنوان مجازات جرم ارتكابی مقرر می کند. در خصوص مجازات مالی نیز معایب و مزایا قائل هستند:

عده ای معایب مجازات مالی را برشمرده اند:

- اولاً- مجازات مالی معارض با اصل برابری مجازات می باشد، چرا که مجازات مالی اگر برای مجرم فقیر ی سنگین و شدید است، ولی برای مجرمین غنی و ثروتمند چندان اهمیتی نداشته و مجازاتی خفیف محسوب میشود.
- ثانیاً- مجازات مالی هیچگونه اثر اربعایی نسبت به افرادی که ثروتمند هستند ندارد.
- ثالثاً- مجازات مالی با اصل شخصی بودن مجازات مغایرت دارد.
- رابعاً- مجازات مالی، مجازاتی است که دادرس دادگاه نمی تواند با میزان دارائی و توانائی مالی مجرم در اجرای فردی کردن مجازات، متناسب باشد.

در مقابل این ایرادات، برعکس عده ای معتقد به دارا بودن محاسن برای مجازات مالی بوده و چنین توجیه می کنند که:

اولاً- مجازات مالی، خلاف مجازات زندان که محیط آن طبیعتاً جرم زا ست ایجاد تباهی و فساد خصوصاً در مجرمین اتفاقی نمی کند.

ثانیاً- مجازات زندان نسبت به مجرمین اعتیادی، فاقد اثر اربعاب و تخویف بوده و فرد مجرم پس از محبوس شدن به محیط عادت کرده و احساس ترس او می ریزد، در حالی که در مجازات مالی مجرم به آن عادت نکرده و همواره از آن، هر چند که تکرار کننده جرم باشد، مرعوب می شود.

*انواع مجازات مالی

معمولاً مجازات مالی را به دونوع تقسیم می کنند: جریمه یا جزای نقدی و ضبط و مصادره اموال.

- جزای نقدی

جزای نقدی عبارت است از اجبار محکوم به اینکه مبلغ مقرر در حکم دادگاه را به خزانه دولت واریز کند. اصولاً جزای نقدی به دوشکل در قانون مجازات اسلامی قابل تصور است: جریمه ثابت و جریمه نسبی.

جریمه ثابت جریمه ای است که قانونگذار بدون توجه به نفعی که از جرم عاید مجرم شده و یا زبانی که در اثر ارتكاب جرم به دیگران وارده شده مقرر می کند.

جریمه نسبی جریمه ای است که قانونگذار آن را به حسب مورد معادل یا دو برابر و یا نصف ضرر ناشی از جرم یا نفع حاصله از آن را تعیین می کند.

- مصادره یا ضبط دارائی

اصولاً جریمه نقدی را مجازات دینی و نقدی است در حالیکه مصادره یا ضبط اموال مجازات عینی است ضبط و مصادره به دوشکل مصادره عام و مصادره خاص صورت می گیرد. در مصادره عام ضبط کلیه دارائی یا مصادره عام گاهی به «اعدام مدنی» گفته می شود در مصادره خاص عبارت از ضبط بخشی از دارائی که موثر در وقوع جرم بوده است می باشد.

نتیجه گیری

قانون مهم ترین ابزار برای تحقق عدالت و تضمین امنیت در جامعه است و مباحث مرتبط با حقوق جزا به لحاظ مبانی کلان آن، قانونگذار را ملزم به تدوین قانون مجازات می کند. مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل میشود. مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیر قابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که مشخص حقیقی مجازات می باشد. «و یا «مجازات واکنش جامعه علیه مجرم» است. ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی جدید انواع مجازات های مقرر در این قانون را بیان می کند. یکی از نوآوری های قانون جدید و تغییراتی که این قانون نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۰ داشته، بخش بندی مجازات ها به چهار دسته است. مجازات های مقرر برای اشخاص حقیقی به چهار بخش حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده اند و مجازات های بازدارنده که در کنار تعزیرات، دسته ای از مجازات ها را تشکیل می دادند، در قانون جدید به طور کلی از شمار مجازات ها خارج شده اند. دلیل حذف مجازات های بازدارنده از شمار مجازات های مقرر در قانون این است که خود مفهوم تعزیرات به گونه ای گسترده است که همه موارد را در برمی گیرد و نیازی نیست که مجازات ها به پنج دسته حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات های بازدارنده تقسیم شوند و همان عنوان تعزیر، مجازات های بازدارنده نیز را در برمی گیرد.

منابع و مراجع

- [۱] قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- [۲] قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- [۳] قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸
- [۴] اردبیلی، م.ع. ۱۳۸۴. حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان
- [۵] استفانی، گ. ۱۳۸۳. حقوق جزای عمومی، ترجمه دادبان، چاپ دوم: تهران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- [۶] اصغر زاده بناب، م. ۱۳۸۹. محشای آرای وحدت رویه جزایی چاپ سوم، تهران: نشر مجد،
- [۷] اوشیدری، ج. ۱۳۷۱. دانشنامه مزدایسنا، تهران: نشر مرکز
- [۸] باهری، م. ۱۳۸۴. حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران: نشر مجد
- [۹] پیرنیا، م. ۱۳۶۲. تاریخ ایران باستان، جلد اول، تهران: انتشارات دنیای کتاب
- [۱۰] جوان، م. ۱۳۴۲. مجموعه قوانین زرتشت، چاپ تهران: نشر عدالت،
- [۱۱] حدادعادل، غ. ۱۳۸۰. دانشنامه جهان اسلام، جلد ششم، تهران: چاپ دایره المعارف بزرگ اسلامی،
- [۱۲] خالقی، ع. ۱۳۸۸. آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران: انتشارات شهر دانش،
- [۱۳] خزائی، م. ۱۳۶۰. احکام قرآن، تهران: انتشارات جاویدان،
- [۱۴] دانش، تاجزمان، ۱۳۷۶. مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، چاپ هفتم، تهران: انتشارات کیهان
- [۱۵] رحیمی نژاد، اس، کرامت انسانی در حقوق کیفری
- [۱۶] زرین کوب، ع. ۱۳۶۴. تاریخ مردم ایران، جلد اول، چاپ اول تهران: انتشارات امیرکبیر
- [۱۷] شامبیاتی، ه. ۱۳۷۵. حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات ویستار
- [۱۸] شامبیاتی، ه.، حقوق جزای اختصاصی، سه جلد، انتشارات مجد
- [۱۹] صانعی، پ. ۱۳۷۶. حقوق جزای عمومی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش
- [۲۰] کی نیا، م.، ۱۳۷۳. جرم شناسی چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران،
- [۲۱] گلدوزیان، ای. ۱۳۷۸. بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان،
- [۲۲] گلدوزیان، ای. ۱۳۸۵. حقوق جزای اختصاصی، چاپ دوازدهم. انتشارات دانشگاه تهران،
- [۲۳] گلدوزیان، ای. ۱۳۸۲. محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول: نشر مجد،
- [۲۴] محمدی، اح. ۱۳۸۲. مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ دهم، انتشارات دانشگاه تهران،
- [۲۵] میرمحمد صادقی، ح.، حقوق جزای اختصاصی، تهران: نشر میزان
- [۲۶] نوربها، ر. ۱۳۸۲. زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش،
- [۲۷] زینالی، ح. ۱۳۸۲. کیفر بدنی، نشریه حقوقی دادگستری، شماره: ۴۳، تابستان
- [۲۸] ماری، فیلیپ، ۱۳۸۳. کیفر و مدیریت خطر، به سوی عدالتی محاسبه گر در اروپا، مترجم ح.، کاشفی اسماعیل زاده، نشریه حقوقی دادگستری، شماره: ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان
- [۲۹] شامبیاتی، ه.، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، سال تحصیلی ۱۳۹۱، نیمسال دوم
- [۳۰] شامبیاتی، ه.، تقریرات درس حقوق جزای تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱
- [۳۱] علی آبادی، م. ح.، جزوه درس تاریخ حقوق ایران
- [۳۲] موسوی مجاب، و.، تقریرات درس جامعه شناسی جنایی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم،
- [۳۳] نجفی توانا، علی، ۱۳۸۷. تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، سال تحصیلی